



برنامه درسی

اشرف یعقوبی نجف آبادی
هنرآموز هنرستان‌های نجف آباد

اشاره
نظر به این‌که سند برنامه درسی ملی از مهم‌ترین اسناد تحول بنیادین در کشور تولید شده و در نوبت انتظار بررسی و احیاناً تصویب در شورای عالی آموزش و پرورش است خواندن مقاله زیر را به همکاران فنی و حرفه‌ای و مخاطبان توصیه می‌کنیم.

برنامه درسی ملی و ضرورت نگرش به کارآفرینی

چکیده

تنهایی نمی‌تواند عهده‌دار این امور باشد بلکه همکاری همه نهادها را می‌طلبد، چرا که جلوه بارز نظام آموزش کارآفرین مشارکت در کارها و فعالیت‌های گروهی است.

در این پژوهش از روش مطالعه کتابخانه‌ای و تجربیات آموزشی و تدوین چند ساله کارآفرینی استفاده شد و به نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادهایی انجامیده است، از جمله آموزش منابع انسانی در قالب آموزش‌های رسمی و غیررسمی، نظام‌مدار کردن پیشنهادهایی که به کارآفرینی سازمانی در آموزش و پرورش منجر گردد، پیش‌بینی دوره‌های حرفه‌ای با رویکرد کارآفرینی، منبعی از خلاقیت دانستن دانش‌آموزان و رسالت‌غایی آموزش و پرورش را پرورش نبوغ و خلاقیت دانش‌آموزان دانستن.

کلیدواژه‌ها: یادگیری، هدایت تحصیلی، کارآفرینی

کارآفرینی از حوزه‌هایی است که می‌توان آن را به افراد آموزش داد. این مبحث در مقاله حاضر با توجه به دو رویکرد بررسی شده است: رویکرد تولیدی آموزش و پرورش (تولید و ارائه محصول به شیوه کارآفرین با رشد همه جانبه دانش‌آموزان) و رویکرد تربیتی (آموزش روحیه و روش‌های کارآفرینی به دانش‌آموزان). کارآفرینی فرایند است نه هدف و تنها در کسب و کار مطرح نیست بلکه شیوه زندگی است که در کلیه ابعاد زندگی فردی اجتماعی و... تجلی می‌یابد.

در نظام آموزش غیرکارآفرین مجال برای بروز و شکوفایی استعداد و خلاقیت کودکان وجود نخواهد داشت و برای شکوفاسازی استعداد و خلاقیت بیش از همه نیازمند ساختارها و روش‌های مدیریتی است که توانایی شناخت و هدایت استعدادهای بالفعل و بالقوه دانش‌آموزان را داشته باشد و آموزش و پرورش به

مقدمه

کشورهای پیشرفته آموزش کارآفرینی را محور اساسی در برنامه‌های خود قرار داده‌اند و با این کار عملاً به دانش‌آموختگان (فارغ‌التحصیلان) خود می‌آموزند چگونه در حین یادگیری علم کار کنند. به عبارت دیگر آن‌ها می‌آموزند چگونه یک ایده یا فکر جدید را به محصولی جدید تبدیل کنند.

تولد مفهوم کارآفرینی عمدتاً به رنسانس و انقلاب صنعتی اروپا باز می‌گردد و از این دوران به بعد ارزش‌هایی چون اتکالی به نفس، تحمل خطرپذیری و توفیق‌طلبی، خلاقیت و نوآوری در جامعه نهادینه شده و تحولات بنیادی را در ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، علمی، هنری در پی داشته است. کسانی که در دنیای پررقابت توانسته‌اند مبتنی بر این ویژگی‌های فردی فرصت‌های بالقوه بازار را شناسایی کنند و توسعه دهند و ساختار یک فعالیت تجاری را ایجاد نمایند کارآفرین نامیده می‌شوند. با تغییراتی که در سطوح مختلف علم و تکنولوژی اتفاق افتاده (و این تغییرات بیش‌تر در کشورهای رخ داد که به نوعی صاحب ایده بودند)، مبحث کارآفرینی مطرح شد.

در دهه‌های اخیر این مفهوم مورد توجه روان‌شناسان، متخصصان علوم رفتاری، جامعه‌شناسان نظام تعلیم و تربیت قرار گرفته است. در کشور ما ایران آموزش کارآفرینی البته به‌طور رسمی از کاردانش شروع گردید و تقریباً ده سال از آن می‌گذرد و در دانشگاه‌ها چند سال اخیر به این موضوع پرداخته شده است که موفقیت‌هایی نیز به دنبال داشته است.

آن‌چه در این رابطه حائز اهمیت است تحلیل عوامل تأثیرگذار در تقویت رفتار کارآفرینی است. کارآفرینی بر مبنای نوجویی، نواندیشی و خطرپذیری شکل می‌گیرد و استمرار می‌یابد. پس باید هرکس که دست به نوآوری بزند یا فکر جدید ارائه دهد یا بیش‌تر تلاش کند به او ارزش و نشان افتخار داد. برای نزدیک شدن به اهداف عالی انسانی، که همان خودشکوفایی و رسیدن به کمالات عالی است، باید از کودکی استعداد و خلاقیت‌ها شناسایی و پرورش یابد. در این رابطه وظیفه نظام آموزش و پرورش مهم‌تر و پربارتر می‌شود تا از همان دوران آموزش رسمی همزمان به آموزش کارآفرینی بپردازد.

بیان مسئله

اکثر علمای تعلیم و تربیت یکی از جنبه‌های یادگیری را تغییر رفتار دانسته‌اند و تفاسیر متفاوتی برای آن ذکر کرده‌اند. یادگیری مهارت‌های ذهنی و فیزیکی طرز تفکر و شیوه کاربرد این مهارت‌هاست. نوع یادگیری مشتمل بر سه مقوله است: انتظار ما از یادگیری چیست؟ در چه حدی است؟ و بعد از فرایند یاددهی یادگیری چه تغییراتی در دانش‌آموزان ایجاد شود؟ بنابراین، یادگیری باید به سه کارکرد منجر شود.

الف) مهارت‌های ذهنی

از جمله انتظارات یاددهی یادگیری این است که فراگیران دانش و اطلاعات را دریافت کنند، بفهمند، آن‌ها را به کار بندند، به تجزیه و تحلیل آن‌ها بپردازند و در این خصوص، به ابداع و خلاقیت و سازندگی دست بزنند (البته تمام عملیات ذهنی است) و به قواعد و حل مسئله بپردازند.

مهارت‌های ذهنی بر اثر فرایندهای ذهنی حاصل می‌شود و حوزه شناختی را شامل می‌گردد. متأسفانه بسیاری از افراد فکر می‌کنند که این مرحله از فرایند آموزش، به معنای یادگیری مؤثر و کامل است. در حالی که فقط یک حوزه از یادگیری است و یادگیری در این مرحله ابتدایی و ناقص است، زیرا فراگیرنده قادر به انجام دادن امور به صورت یدی نیست و احساس و نگرش خاصی هم در این خصوص ندارد.

ب) مهارت‌های فیزیکی

به کلیه توانایی‌ها و مهارت‌های اندام‌ها و جسم مهارت‌های فیزیکی اطلاق می‌شود و به معنی آن است که شخص بتواند مهارت‌ها و اطلاعات ذهنی را به عمل (بدی) تبدیل کند. هرگاه فکر به عمل تبدیل شود، می‌گوییم که شخص مهارت‌های فیزیکی دارد و البته باید با مهارت‌های کافی و مطلوب فعالیت کند. هنوز هم نمی‌توان گفت که مهارت‌های ذهنی و فیزیکی، یادگیری مؤثر است، زیرا فراگیرنده در این مرحله اعتقاد، ایمان و بینش کافی و لازم را کسب نکرده است.

نگاه به اشتغال باید به حالت کارآفرینی و خوداشتغالی تغییر جهت دهد تا به خدمت گرفتن ایده‌ها و طرح‌های ابتکاری و تنوع و توسعه مشاغل منجر شود

پ) طرز تفکر

پس از این که شخص مهارت‌های ذهنی و فیزیکی را درخصوص موضوع یادگیری کسب کرد، باید تمایلات، احساسات، نگرش‌ها و باورهای او نیز در مورد موضوع تقویت و تثبیت شود. این حوزه بالاترین ارزش را در تعلیم و تربیت دارد. زیرا به خواستن، ایمان و عشق دانش‌آموزان به علم موردنظر بستگی دارد (فضلی‌خانی و همکاران، ۱۳۷۷، ص ۹).

با توجه به مطالب بالا نتیجه می‌گیریم یادگیری مؤثر، تنها کسب و ذخیره‌سازی اطلاعات و دانش‌ها و تقویت مهارت‌های ذهنی نیست. یادگیری مؤثر نمی‌تواند فقط کسب مهارت‌های فیزیکی و یدی باشد.

یادگیری مؤثر و کارآمد، تقویت و گسترش مهارت‌های ذهنی، فیزیکی و طرز تفکر؛ یعنی دانستن، توانستن و خواستن است. هرگاه

این سه مقوله اتفاق بیفتند، یادگیری انجام می‌شود. این نوع یادگیری محکم، پایدار، قابل استفاده و مفید است و می‌تواند یادگیری را به مرحله کاربرد و عمل نزدیک سازد.

در این جا یادگیری‌های آموخته شده را در قالب کارآفرینی، که طرز تفکر است و افرادی به این حوزه می‌رسند، باید شناخت و با ترکیبی نو از منافع و فرصت‌ها محصول روش و خدمات تازه‌ای را ارائه داد. در حوزه آموزش و پرورش وظیفه ما تغییر در جهت کارآفرینی است، به ویژه در امر هدایت تحصیلی راهنمایی به افراد مطلع و مجرب نیاز است.

اغلب دانش‌آموختگان، چه در دوره متوسطه و چه در دوره‌های بالاتر، کار و شغل را استخدام در سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی یا خصوصی می‌دانند. این طرز تلقی و وابستگی شدید به استخدام آسیب‌زاست.

نگاه به اشتغال باید به حالت کارآفرینی و خوداشتغالی تغییر جهت دهد تا به خدمت گرفتن ایده‌ها و طرح‌های ابتکاری و تنوع و توسعه مشاغل منجر شود. یکی از سیاست‌های موفق کشورهای توسعه یافته برای غلبه بر مشکل بیکاری توجه به کارآفرینی و کارآفرینان بوده است.

در کشورهای توسعه یافته چون فرانسه بلژیک و... ده‌ها دوره آموزش کارآفرینی مختلف دایر است. سیاست‌های حمایتی و مراکز پژوهشی خاص به منظور تشویق و پرورش کارآفرینان ایجاد کرده‌اند.

در کشور ما به دلایلی که هنوز به بحث‌ها و تحلیل‌های آکادمیک در زمینه مفهوم کارآفرینی و آموزش آن توجه جدی نشده است، طبعاً در حوزه اقتصاد و بازار کار نیز این موضوع جای کافی ندارد و خود به خود نهادهایی که باید از این مفهوم حمایت کنند ایجاد نشده است (چهاربند، ۱۳۸۴).

کارآفرینی فرایند پرورشی بلندمدتی است که مستلزم برنامه‌ریزی در نظام آموزشی و پرورشی است و اجرای برنامه‌های آن از سطح خانواده و مدرسه تا سطح دانشگاه و سازمان‌های بزرگ ادامه دارد. بنابراین مدارس و دانشگاه‌ها در تربیت کارآفرین نقش اساسی دارد. ما در آموزش‌های کارآفرینی به این مهم رسیدیم و با افتخار باید بگوییم که توانستیم دانش‌آموزان را به استقلال و کارآفرینی برسانیم و به دیگر آموزش‌ها و مقاطع انتقال دهیم.

کارآفرینی در نظام آموزشی

مفهوم و تعریف کارآفرینی، با توجه به ماهیت و ساختار نظام‌های آموزشی، مورد توجه قرار می‌گیرد، با این نگرش می‌توان کارآفرینی در آموزش و پرورش را چنین تعریف کرد: کارآفرینی در آموزش و پرورش فرایند منظم و مستمری است که از یک سو به شناسایی و بهره‌برداری مؤثر از کلیه منابع درونی و بیرونی نظام آموزشی منجر می‌شود و از سوی دیگر موجب ایجاد فرصت‌های جدید یاددهی یادگیری می‌گردد. این فرایند با تکیه بر دو محور

آموزش فراگیر کارآفرین و فراهم آوردن زمینه‌های بروز و ظهور آن محقق گردد.

انواع کارآفرینی

کارآفرینی فردی فرایندی است که در آن کارآفرین می‌کوشد تا فعالیت کارآفرینانه را به‌طور آزاد به ثمر رساند.

کارآفرینی سازمانی

فرایندی است که در آن کارآفرین می‌کوشد تا فعالیت کارآفرینانه‌ای را در سازمان، که معمولاً بوروکراتیک و سنتی است به ثمر رساند. به عبارت دیگر چند کارآفرین در حین رقابت با یکدیگر یاد می‌گیرند چگونه با یکدیگر کار کنند و تقسیم منافع داشته باشند و در یک سازمان سینرژی^۱ داشته باشند.

کارآفرینی ارزشی^۲

فرد به دنبال منافع مادی و ثروت نیست و هدف آن ایجاد تغییر و تحول مثبت در جامعه است و در نتیجه ایجاد ارزش اجتماعی می‌کند (احمدپور، ۱۳۸۳، ص ۵۵).

از کجا و چگونه آغاز کنیم؟

برای رسیدن به این مهم باید ابتدا بدانیم کارآفرین کیست؟ و چه خصوصیتی دارد؟ و چگونه می‌توانیم این خصوصیات را در افراد جامعه ایجاد کنیم؟ این ویژگی‌ها صفات، نگرش‌ها و رفتارهای کارآفرینانه را در جدول زیر ملاحظه می‌کنید.

آموزش و پرورش باید زمینه‌ها و روحیه کار را برای توسعه اقتصادی فراهم نماید

از آن جا که صفات کارآفرینی اکتسابی است و نه ارثی و ژنتیکی باید آموزش و پرورش با برنامه‌ریزی و سازماندهی زمینه‌های خصوصیات روحی دانش‌آموزان را در جهت ایجاد و روحیه کارآفرینی فراهم کند و این ویژگی‌ها را در آنان بپروراند.

تقویت روحیه خودکنترلی: باید به دانش‌آموزان آموزش داد همه شکست‌ها عامل بیرونی ندارند بلکه باید به تلاش و انرژی درونی خود متکی بود و شکست‌ها و پیشرفت‌ها نتایج عملکرد خود انسان است.

علاقه‌مندی به کار: آموزش و پرورش باید زمینه‌ها و روحیه کار را برای توسعه اقتصادی فراهم نماید.

اعتماد به نفس، روحیه پایداری غلبه بر مشکلات و داشتن عزمی راسخ برای کسب موفقیت را باید به دانش‌آموزان آموخت.

ویژگی عمومی	صفت بارز	نگرش	رفتار
۱. خودباوری	۱. خوش بینی ۲. اعتماد به نفس ۳. استقلال رأی	• من انسان توانایی هستم. • من می‌توانم بسیاری از کارها را انجام دهم.	خودگویی مثبت
۲. میل به نتیجه (انگیزه پیشرفت)	۱. سرسختی (پشتکار) ۲. میل به کسب موفقیت ۳. تلاش در جهت خواسته‌ها	• در زندگی مشکل وجود ندارد. • مسئله وجود دارد. • خواستن توانستن است.	پایداری و مشکلات
۳. ریسک‌پذیری	۱. پذیرش عواقب رفتار خود (منبع کنترل درونی) ۲. تفویض اختیار و مسئولیت	• همیشه همه کارها به خوبی انجام نمی‌شود. • لازم نیست کمال‌گرا باشیم و بخواهیم در کارها وسواس به خرج دهیم.	عمل‌گرایی
۴. خلاقیت	۱. انعطاف‌پذیری ۲. تفکر واگرا ۳. بی‌تفاوتی در مورد افکار	• همه کارها را می‌توان به شکل بهتری انجام داد. • انسان بی‌نهایت سازنده است.	نوآوری و انجام ندادن امور به شکل یکسان
۵. آینده‌نگری	۱. قدرت درک ۲. قدرت پیش‌بینی ۳. تفکر وسیع	• آینده آمدنی نیست ساختنی است.	طراحی و برنامه‌ریزی
۶. هدایت و رهبری	۱. تعیین اهداف مطابق با استعداد ۲. انتقادپذیری، قدرت دریافت بازخورد ۳. تصمیم‌گیری	• همه افراد استعداد دارند، مهم این است که از استعدادها باید استفاده کرد.	آرامش و گوش دادن به همه (همه ایده‌ها حتی ایده‌های مخالف)

(پیام دانشگاه، عابدی، ۱۳۸۳)

تقویت و ایجاد روحیه خوش‌بینی و اصرار بر حل مشکلات

آموزش و پرورش باید دانش‌آموزان را هدفمند، واقع‌بین و حلال مشکلات توسط خودشان بار بیاورد. آموزش روحیه مخاطره‌پذیری: آموزش و پرورش رسالت مهم‌تر دارد و آن پرورش افراد شجاع، متعهد و پرافتخار است. آموزش و پرورش باید دانش‌آموزان را از مخاطرات احتمالی و محافظه‌کار دور کند. آموزش و پرورش باید زمینه‌های تلاشگری و روحیه کار را برای توسعه اقتصادی و فراهم نماید. از دیگر ویژگی‌های کارآفرینان، که باید به پرورش آنها پرداخت، روحیه دوراندیشی، مسئولیت‌پذیری، همکاری، دقت و کمال‌جویی، خلاقیت و نوآوری، پافشاری بصیرت، خودجوشی، توانایی سازگاری و... است.

برای تحقق چنین جامعه‌ای باید سیاست‌های حمایتی از کارآفرینان توسط دولت، مجلس و سایر نهادهای مردمی ایجاد شود. باید ابتدا سیستم‌ها و فضاهای موردنیاز برای شناسایی پرورش فعالیت کارآفرینان شناسایی شود و متناسب با نیاز این فعالیت‌ها سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات حمایتی طرح‌ریزی گردد.

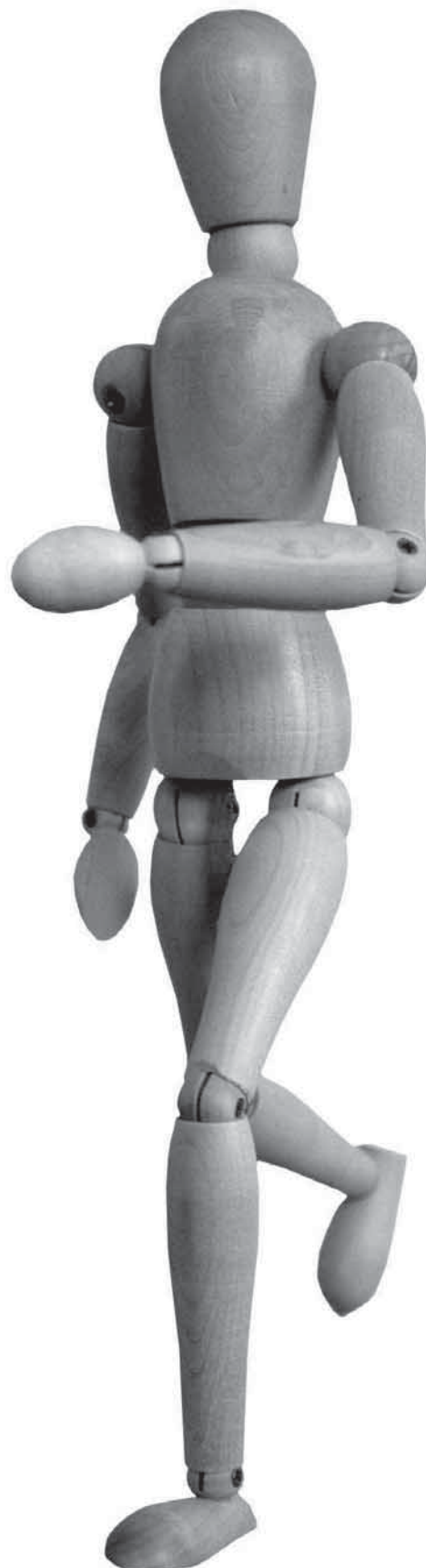
اصول توسعه کارآفرینی در نظام آموزشی

ایجاد و توسعه کارآفرینی در نظام آموزشی و تبدیل آن به فرهنگی نهادی شده مستلزم شناسایی و تعیین سیاست‌ها و اصولی است که راهکارهای مربوط را نشان می‌دهد، ضمن توجه به این واقعیت که ایجاد تغییرات ساختاری در نظام آموزشی امری پیچیده، پرهزینه و بلندمدت است، به همین جهت برخی از اصول بنیادین توسعه کارآفرینی در نظام آموزش و پرورش عرضه می‌گردد.

تدوین اهداف و سیاست‌های کارآفرینانه

نظام آموزشی کارآفرین بیش از هر چیز نیازمند اهداف و سیاست‌های کارآفرینانه است. بر این اساس لازم است تمام اهداف و سیاست‌های کلان و خردنظام آموزش و پرورش موردبازنگری و نقادی جدی قرار گیرد و تغییرات و اصلاحات لازم در آنها به عمل آید.

بینش یا آرمان مشترک و تأکید بر اصل جهانی اندیشیدن و ملی عمل کردن دو مبنای اصلی برای تدوین اهداف و سیاست‌های آموزش و پرورش کارآفرین به‌شمار آید.



آموزش و پرورش باید فرهنگ روحیه کار و روش‌های کار آفرینی را به دانش‌آموزان بیاموزد

انعطاف‌پذیری جامعیت و هماهنگی

خلاقیت و کارآفرینی در ذات خودفرایندهایی منعطف، از ادوسیال هستند. از یک‌سو بهترین بهره‌برداری از منابع و افزایش عامل سینرژی (هم‌کوشی اشتراک مساعی) در نظام آموزشی توجه همزمان به جامعیت و هماهنگی در طرح توسعه کارآفرینی است از سوی دیگر این بهره‌برداری از منابع به ایجاد نظامی واحد، قدرتمند و یک پارچه منجر می‌گردد.

تمرکززدایی در نظام آموزشی

نظام آموزشی تمرکز زده و تراکم قدرت تصمیم‌گیری در سطوح بالایی هرم سازمانی موجب کاهش مشارکت مدیران معلمان دانش‌آموزان والدین و سایر نهادهای ذی‌ربط می‌گردد و مهم‌ترین آسیب آن از دست دادن فرصت‌های رشد، خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی در عرصه‌های گوناگون آموزشی و پرورشی است.

خودگردانی و استقلال^۳

کارآفرینی بر مبنای نوجویی، نواندیشی و خطرپذیری شکل می‌گیرد و استمرار می‌یابد. این امر مستلزم وجود مراکزی آموزشی است که افراد، ضمن برخورداری از استقلال و آزادی لازم، بتوانند از طرح‌های نوآورانه استقبال و حمایت کنند.

تعامل با محیط

نظام آموزشی یا مدرسه کارآفرین، به یقین با دیوارهای بلند و درهای بسته پدید نمی‌آید. مدیر آموزشی کارآفرین باید بین مدرسه و جامعه و مراکز تولیدی خدمات پیوندی عمیق و همه‌جانبه به وجود آورد تا از یک‌سو دانش‌آموزان از واقعیت‌ها نیازها و مشکلات اجتماعی و اقتصادی پیرامون خود شناخت و درکی صحیح و عمیق به دست آورند و از سوی دیگر امکان شناسایی و پرورش استعدادهای آن‌ها فراهم آید.

شکوفاسازی استعداد و خلاقیت با تأکید بر کیفیت^۴

خلاقیت و کارآفرینی در آموزش و پرورش محصول مستقیم کیفیت برنامه‌ها، روش‌ها، فعالیت‌ها و فرایند یاددهی یادگیری است. استعداد و خلاقیت کودکان در نظام آموزش و پرورش غیرخلاق و غیرکارآفرین مجال برای بروز و شکوفایی نخواهد یافت. گسترش خلاقیت و کارآفرینی بیش از همه نیازمند تغییر در ساختار، روش‌ها و برنامه‌ریزی و مدیریت در تدوین کتاب‌های درسی و دیگر ابعاد است.

تشویق و پاداش^۵

عنصر اساسی در کارآفرینی خطرپذیری است. خطرپذیری، صرف‌نظر از عوامل و خصوصیات فردی، به‌طور جدی تحت تأثیر فرهنگ اجتماعی قرار دارد. به این ترتیب نظام آموزشی زمانی کارآفرین و خلاق است که نه تنها زمینه لازم را برای خطرپذیری فراهم آورد بلکه سازوکارها و روش‌های مؤثر را برای شناسایی و قدردانی و پاداش خلاقیت و کارآفرین‌ها پیش‌بینی و تعبیه کند.

راهکارهای اساسی آموزش کارآفرینی

تحقق کارآفرینی در نظام آموزش و پرورش مستلزم ایجاد تغییرات و اصلاحات فراوان و متنوعی در ارکان نظام آموزش و پرورش و به‌خصوص در مدارس است و بدیهی است هر یک از تغییرات موجبی از تغییرات بعدی را به دنبال خواهد داشت. برای نزدیک شدن به نظام آموزشی کارآفرین چند راهکار اساسی بیان می‌شود.

برنامه‌ریزی^۶

تشکیل کمیته‌ای در رده‌های عالی آموزش و پرورش با دانشگاه‌ها و مراکز علمی پژوهشی کشور به منظور طراحی نظام جامع کارآفرینی در آموزش و پرورش، ایجاد شبکه خدمات اطلاعاتی و مشاوره رایگان برای کارآفرینان بالقوه دانش‌آموزان و دانشجویان، حمایت از توسعه آن و ایجاد سازمان‌های همیاری اشتغال دانش‌آموختگان کارآفرین.

ایجاد محیطی نوآورانه از طریق پارک‌های علمی مراکز نوآوری

- کمک‌های بلاعوض مالی به دانش‌آموزان دانش‌آموخته کارآفرین آموزش دیده از طریق سازمان‌هایی چون سازمان ملی جوانان که پروژه‌های کسب و کار و قابل اجرا در حد توان خویش دارند.

- پشتیبانی از ایده‌های شغلی و ترسیم نقشه‌های شغلی جدید با استفاده از تکنیک‌های خلق ایده، شناسایی فرصت‌های شغلی ایده‌ها و نیز کارآفرینان بالقوه، هم‌چنین برگزاری گردهمایی منظم با دانش‌آموزانی که احتمال کارآفرینی دارند.

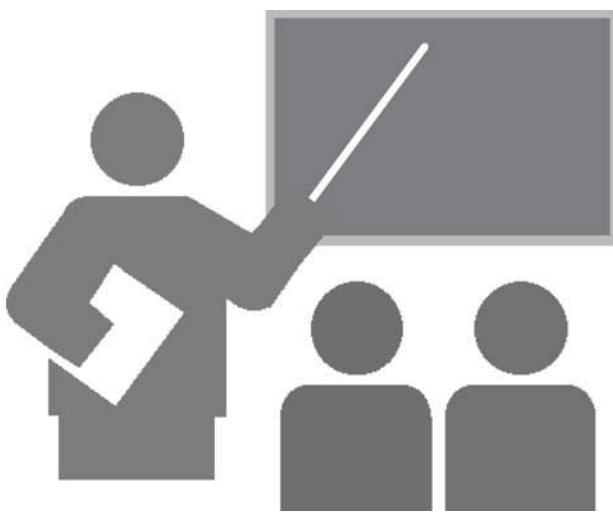
- ایجاد انعطاف و پویایی در اداره مدارس از طریق اصلاح قوانین

مالی و اداری و رفع موانع آن، طراحی و اجرای تحقیقات میدانی و تجربی به منظور شناسایی دقیق و علمی وضع موجود امکانات و فرصت‌های بالفعل و بالقوه و تشخیص راهبردهای اساسی نیل به نظام آموزشی کارآفرین.

- تنظیم اهداف نظام آموزشی کارآفرین و به تبع آن مدرسه یا کلاس کارآفرین در چارچوب آرمان مشترک به نحوی که تا حد امکان در فرایند مشارکتی تدوین و تنظیم شده باشد.

چنین مواردی باید دست‌یافتنی، تلاش برانگیز، جامع، هماهنگ، دوراندیشانه و دربرگیرنده تمام ابعاد رشد دانش‌آموزان باشد. هم‌چنین باید همواره بر رعایت احترام به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان تأکید ورزید و پرورش اعتماد به نفس و خلاقیت را در اولویت قرار داد. در این صورت ملاک‌های ارزش‌یابی و تحقق هدف به روشنی آشکار می‌گردند.

خلاقیت و کارآفرینی در آموزش و پرورش
محصول مستقیم کیفیت برنامه‌ها، روش‌ها،
فعالیت‌ها و فرایند یاددهی یادگیری است



آموزش منابع انسانی

لازم است نیازهای آموزشی مدیران، کارشناسان، معلمان و مشاوران در زمینه کارآفرینی شناسایی و طبقه‌بندی شود. هم‌چنین، نظریه‌ها، مفاهیم، روش‌ها و اصول کارآفرینی در قالب انواع فرصت‌های آموزشی کوتاه‌مدت و بلندمدت طراحی شود و با روش‌های متنوع و منعطف برای کلیه مجریان آموزش و پرورش در کلیه سطوح اعلام گردد. دوره‌های آموزشی مناسب برای خانواده‌ها طراحی شود و در قالب آموزش‌های خانواده اجرا گردد.

محتوای آموزشی

منظور از محتوا مجموعه‌ای از مطالب مواد آموزشی و کتاب‌های درسی آموزش و پرورش است که انواع فرصت‌های یادگیری را برای دانش‌آموزان فراهم می‌آورد و مهم‌ترین ویژگی آن در مدرسه کارآفرین به شرح زیر است:

- متناسب با پیشرفت دانش تنظیم و به‌طور مرتب اصلاح و تجدیدنظر می‌شود.

- متناسب با نیازها و مراحل رشد ذهنی عاطفی و اجتماعی دانش‌آموزان است.

- تأکید اساسی آن بر پرورش اعتماد به نفس و خلاقیت و نوآوری است.

- انواع فرصت‌های یادگیری فردی و گروهی را متناسب با نیازهای فردی و گروهی دانش‌آموزان فراهم آورد.

- از قالب سنتی خارج و در قالب مواد و رسانه‌های جدید و جذاب ارائه شود.

- کتاب‌های فارسی دبستان به منظور ایجاد بینش آینده‌نگری به ویژه در کودکان از رؤیای کودکان تا ساخت الگوی نقش برای کودکان اصلاح شود و درس کارآفرینی در کلیه رشته‌های متوسطه از جمله دروس اصلی و آموزشی اضافه گردد.

فرایند تدریس

کارآفرینی در آموزش و پرورش را با دو رویکرد نسبتاً متفاوت می‌توان مورد توجه قرار داد. در یک رویکرد، که می‌توان آن را رویکردی تولیدی نامید، آموزش و پرورش در مقام تولید و ارائه محصول، که همان رشد همه جانبه دانش‌آموزان است، به شیوه‌ای کارآفرین عمل می‌کند.

رویکرد دوم، که از آن با عنوان رویکردی تربیتی یاد می‌کنیم، آموزش و پرورش باید فرهنگ روحیه کار و روش‌های کارآفرینی را به دانش‌آموزان بیاموزد. با توجه به این دو رویکرد ویژگی‌های زیر را می‌توان برای معلم کارآفرین ذکر کرد:

دارای ویژگی‌های یک فرد کارآفرین باشد، رشد دانش و توسعه بینش‌ها و مهارت‌ها را یک ضرورت شغلی مستمر تلقی کند، به روش تدریس و ارزش‌یابی سنتی اکتفا نکند و همواره درصدد به کار بردن روش‌های جدید باشد.

هم‌چنین، کارآفرینی را ضرورتی ملی و چالشی اساسی نظام آموزشی بداند و برای توسعه دانش و بینش خود برای کارآفرینی تلاش کند، دانش‌آموزان را منابعی از خلاقیت و نوآوری به شمار آورد و رسالت غائی خود را پرورش نبوغ و خلاقیت تمام دانش‌آموزان بداند.

هم‌چنین، افراد کارآفرین را در کلاس‌های درس، با توجه به موضوع کارآفرینی جهت ایجاد الگوی نقش حمایت از توسعه فعالیت‌های پژوهشی و تحقیقات کاربردی در ارتباط با ارتقای سطح آموزش کارآفرینی و راهکارهای توسعه آن معرفی کند.

نتیجه این که ما باید به سوی جامعه‌ای حرکت کنیم که کارآفرین پرورش دهد، آموزش و پرورش‌هایی که روحیه و نگرش کارآفرینی را تقویت نماید و افراد کارآفرین را الگو و اسوه معرفی کند، جامعه‌ای که به سوی خودکفایی و استقلال حرکت کند و کارآفرینی را از جمله حوزه‌های یادگیری بداند، موضوع مهمی که تاکنون به آن توجه جدی نشده است.

پیش‌نهادهای کاربردی

- نگرش ملی به کارآفرینی، به عنوان ضرورت اساسی نظام آموزشی؛

- تعیین روز ملی کارآفرینی و اعطای نشان ملی به کارآفرینان در سطوح و حوزه‌های مختلف علمی، هنری، ادبی، اقتصادی؛
- تدوین کتاب‌های درسی با نگرش کارآفرینی از رؤیای کودکانه (شامل باورهایی که جامعه، خانواده، همسالان از بدو کودکی و آموزش‌های رسمی و غیررسمی به نوآموز القا می‌کنند) تا کتاب‌های فارسی دبستان؛

- اضافه شدن درسی با عنوان کارآفرینی از جمله دروس اصلی و تخصصی کلیه رشته‌های متوسطه و در ادامه تحصیلات دانشگاهی نظام‌دار کردن پیش‌نهادهای در آموزش و پرورش که منجر به کارآفرینی سازمانی گردد.

- آموزش منابع انسانی در قالب آموزش‌های رسمی و ضمن خدمت برای کلیه رشته‌ها.

- تربیت معلم کارآفرینی با جذب افراد با ویژگی‌های لازم از طریق آزمون و مصاحبه.

به هر حال، کارآفرینی بخشی از فرهنگ زندگی امروز ماست، که از آموزش آن نباید غافل شد.

منابع

۱. اردبیلی، یوسف، راهنمایی مشاوره شغلی و حرفه‌ای، تهران انتشارات رشد، ۱۳۶۹
۲. اتسی رادف دی، مدیریت بر نانشناخته‌ها، ترجمه محسن قدیمی و مسعود نیازمند، تهران مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۸
۳. احمدپور داریانی، محمود، محمد عزیزی محمد، کارآفرینی، وزارت آموزش و پرورش تهران، ۱۳۸۶
۴. آیت‌اللهی، جواد؛ صدری عباس، کارآفرینی، شاخه کاراندیش، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۲
۵. ساکی، رضا، تغییر و نوآوری در سازمان و مدیریت آموزشی، تهران، پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۷۹
۶. شفیق‌آبادی، عبدالله، راهنمایی و مشاوره شغلی و حرفه‌ای، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۶۹
۷. صافی احمد، مدیریت و نوآوری در مدارس، تهران، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۶
۸. صمد آقایی جلیل، سازمان‌های کارآفرین، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۸
۹. دانایی‌فر، حسن، نشریه مدیریت توسعه، شماره ۱۳۸۲
۱۰. عابدی، محمدرضا، مجله پیام دانشگاه، روابط عمومی دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۳
۱۱. قورچیان نادر قلی، فضلی‌خانی، منوچهر و همکاران، نظریه‌های یادگیری و نظریه‌های فراشناخت، تهران، تربیت، ۱۳۷۷
۱۲. فضلی‌خانی، منوچهر، روش‌های فعال تدریس در برنامه‌های پرورشی، انتشارات تربیت، ۱۳۷۸
۱۳. یونسکو، نوآوری در مدیریت مدرسه محور، ترجمه فاطمه فقیهی، تهران، پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۷۹
۱۴. چهاربند، اسفندیار، مجله رشد آموزش فنی و حرفه‌ای، دوره اول، شماره یک، ۱۳۸۴

پی‌نوشت

1. Synergy
2. Social Entrepreneur
3. Independence
4. Creativity
5. Gratuity
6. Curriculum